



آوردن این مطالب نه به معنای تأیید است و نه به تمسخر؛ تنها برای خواندن است و



آراد م. ایل بیگی گاه روزانه‌های دیروز ... و امروز

504

حاطرات «مادر جونز» (با برگردانی: ع. باشائی و محمد رسولی [آزاد ایل‌بیگی])

پیشگفتار (از: پل لوزون)

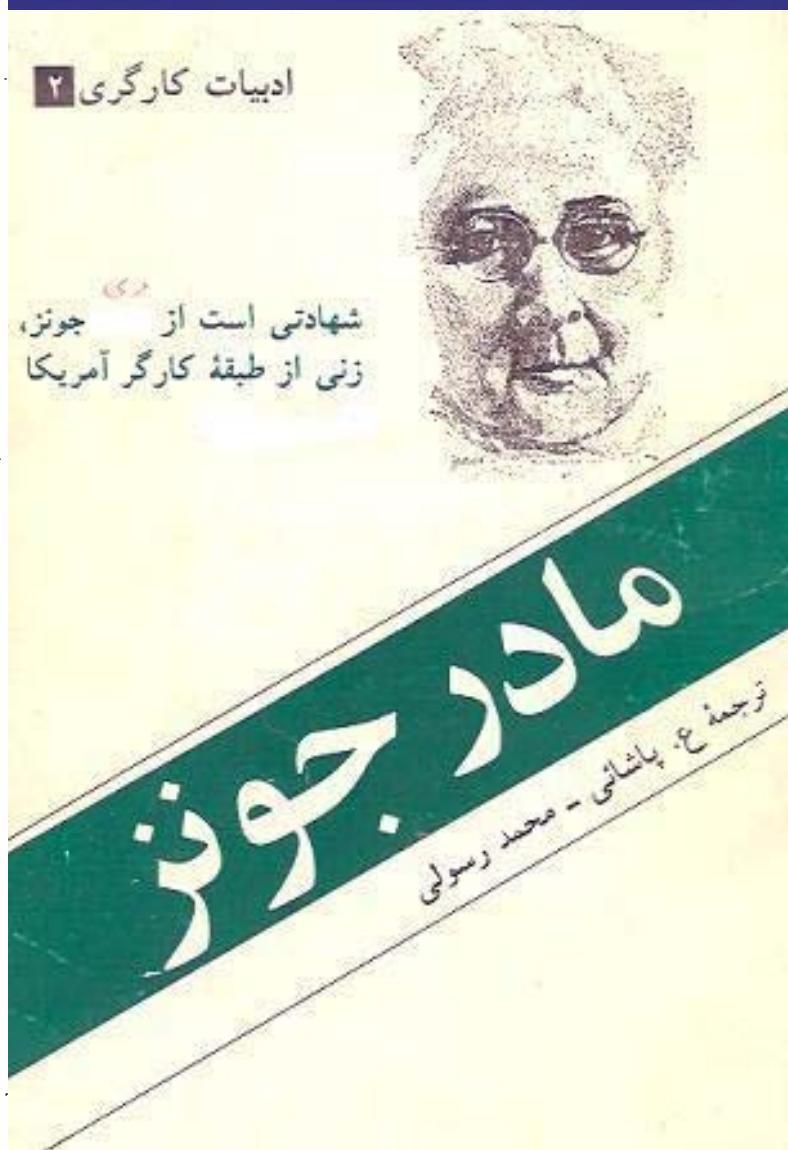
ماماجونز، در حقیقت، تنہ شجاعت معدنجیان اعتصابی است. یک بار لوله مسلسلی را که رو به اعتصابیون گرفته شده بود چسبید و فریاد زد: «حضرت آقا! افراد طبقه من اند که به اعماق معدن فرو رفته‌اند و نظری را که این ماسماسک ازش ساخته شده بیرون آورده‌اند. بتایران، آن ماسماسک مال من است!» - و یک پار در پاسخ یکی از تمایندگان کنگره که محل اقامت او را پرسیده بود جواب داد: «من مقیم آمریکا هستم، گیرم درست نمی‌دانم در کجاش. هر جا که برای رهایی از بهره‌کشی مبارزه‌ئی درگیر باشد، خانه من آن‌جا است؛ یعنی گاه در واشنگتن، گاه در پنسیلوانیا، گاه در آریزونا یا تکساس یا مینه‌سوتا یا کلرادو. راستش، خانه من چیزی مثل پاشنه کفشم است: با خودم این ور و آن ور می‌کشم!» آمریکانی که ماماچونز در شرح حال خودش توصیف می‌کند، آمریکایی کارگران مهاجر، معدنجیان مورد استثمار، کودکان آنها و همسران آنهاست. و حکایتی که نقل می‌کند، سرگذشت سرکوبی آنها، مقاومت آنها، بیروزی‌ها و شکست‌های آنهاست. فریادی است که مبارزات نژادی، جنسی و طبقاتی را به گوش‌ها می‌رساند.

ماماجونز که به سال ۱۸۳۰ در ایرلند متولد شد و هنگام مهاجرت خانواده‌اش به آمریکا پنج ساله بود، بعدها حرفة خاطی را برگزید. وی که عمری صد ساله را پشت سر نهاد، بهمدث نیم قرن تمام - از ۱۸۷۱ تا ۱۹۲۱ - سراسر آمریکا را پای پیاده با در ارابه و قطار طی کرد، و مدام در هر نقطه‌ئی که حضورش واجب شمرده می‌شد حضور داشت: آنجا که می‌بایست ضمیر طبقه رنجر را از خواب بیدار کرد؛ آنجا که مبارزات کارگری برای وصول به حق هشت ساعت کار در روز و شناخت حقوق سندیکانی در جریان بود؛ و آنجا که وساطت میان اعتصابیون و قوانین یا ارتش و پلیس لازم می‌آمد.

شرح حال ماماچونز، درسی شگفت‌انگیز از تاریخ و درهman حال سرچشم‌مئی فیاض برای افکار «عملی» است. لوموند، ۲۰ ژانویه ۱۹۷۸

ادبیات کارگری ۲

شهادتی است از جونز،
زنی از طبقه کارگر آمریکا



توطیح تأثیر
من فرانسوی کتاب که مأخذ ترجمه فارسی است بصورت نیست. تصاویر لازم دا ما از منابع
دیگر به عنوان کتاب ازودهای، می‌دانم، تهیه کنندۀ تصاویر، نویسنده آنها را برای ما فرستاده‌اند که
غافل کیفیت لازم است. تجدید تصاویر، برای چاپ حاضر بسیر نبود، و از این احاطه از خواهدگان
گرامی خود پرسش من طلبیم.
فصلنامۀ تصاویر صفحات ۱۰۹، ۱۰۵، ۱۶۳ از منبع زیر گرفته شده است.

Y.H. Nauelhat. — Les Etats - Unis (1880-1925). L'Avènement d'une Puissance
Mondiale. — Editions Richelieu (collection: L'Univers Contemporain), 1973.

و تصاویر صفحات ۱۰، ۲۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰ از منبع ذیر:
Richer, B. Morris. The U.S. Department of Labor Bicentennial History Of The
American Worker / Editor: Gouverneur Morris Professor Emeritus of History
Columbia University, 1976.

و تصاویر صفحات ۲۱، ۵۹ از کتاب جمعه شماره ۳۳ دیز، اول ماه مه

«نهیه کنندۀ تصاویر» من بودم. آزاد ایل بیگی

MOTHER JONES

first edition: Aug. 1981, Tehran
MAZEYAR PUBLICATIONS

زمینه‌سازیت مادر

۰	پیش‌گفتار
۱۹	۱. تختستین سال‌ها
۲۳	۲. ترازدی ھی مارکت
۲۹	۳. اعتضاب در ویرجینیا
۳۲	۴. «ندا به عقل» و پلند
۳۴	۵. پیروزی در آرتوت (پنسیلوانیا)
۴۲	۶. چند در ویرجینیا غربی
۴۹	۷. قاضی شریف
۵۰	۸. روزولت دست پدمان جان می‌پل می‌شود
۶۱	۹. قتل عام در ویرجینیا غربی
۶۷	۱۰. راهیمانی پچه‌ها
۷۷	۱۱. امروز «زدنه‌ها» حق ندارن دست بدقاطر از زن
۸۱	۱۲. خانه تکانی پزرگ در کول دیل
۸۵	۱۳. اعتضاب کریبل کریبل
۹۹	۱۴. کار کودکان
۱۱۳	۱۵. مایر، هی وود و پتی بُن
۱۱۷	۱۶. انقلاب مکزیک
۱۲۳	۱۸. زن‌ها در زندان سرود می‌خواهند
۱۲۷	۱۹. پیروزی در ویرجینیا غربی
۱۴۳	۲۰. گارد و گاردن‌ها

پیش‌گفتار

۱۴۵	۲۰. فرماندار هات
۱۵۲	۲۱. در زندان‌های راکفلر
۱۶۶	۲۲. «برای توفان به پا کردن، احتیاج به حق رأی نیست»
۱۷۴	۲۳. بازداشتگاهی در ویرجینیا غربی
۱۷۷	۲۴. اعتضاب کارگران فولاد در سال ۱۹۱۹
۱۹۱	۲۵. مبارزه، شکست، پیروزی
۱۹۵	۲۶. قرون وسطی در ویرجینیا غربی
۱۹۸	۲۷. علی‌رغم رهبران، به پیش

«سرمهایه، با گند خون و لجن، از همه میانه بیرون می‌ریزند». این تأکید مارکس، که تئورهای خدشته‌نایابن فراوانی آن را تأسیس می‌کند، می‌تواند بهترین سرآغاز کتاب بیری جونز باشد. به شرح حال مادر جونز، بیش از هر چیز یک کتاب بزرگ تاریخی مشتمل از آید. البته نه از آن نوع آلبوم‌های شیک مصروف مردم پیشنهاد که غرض او آن‌ها جلوه دائم امی‌باشد. این‌گاه است به‌گفته‌یک کشور آزاده، کشور کامبایان‌ها و پیروزی‌ها و آراسته پهروموجیه جمهوری‌خواهانه: این آلبوم‌ها را - غالباً هم از خلال فیلم‌های پیشمانی - درست همان موقعی با ملاحظت عرضه می‌کنند که بمب‌های خوش‌نمی را جون پاران تکریگ بر سر مردم فرو می‌برند و شرکت‌های چند ملیتی، دغلکارانه ریشه‌های سلطانی خود را تا پیش اتفاقه‌ترین گوشش بهمنه خاک من گسترش دهند. چیزی که در کتاب بیری جونز، زن سنتی‌کارکار، عرضه می‌شود بروزه باع معصومیت و تقدیم نیست. این زن، تاریخ ایالات متحده را، روز به روز پا به پای می‌دهد هزار کارگر دیگر تجربه کرده است؛ او با مبارزات و تلاش‌های پیان نایابن پیارانه تاریخ این کشور را هم به وجود آورده است. و ماجراهی اد جون اند «داستان پیارانه» نیست که واکله، اثر و تعتقد معروف - هر یکشنبه، پس از عبادت، به‌همگام خروج از کلیسا به‌کودکان ترکیل و ورگل، شیرینی و کنکنی پول هدیه می‌کند. واکله در اینجا نقش خود - و نیز نقش سایر اریابان صنعتی و ترور - یعنی نقش «پارون‌های سرمایه» را ایما می‌کند. تاریخچه‌نی که بیری جونز به‌ما ارائه می‌دهد - که به‌نظر ما متأسفانه بسیار مختصر و کوتاه است - در عین حال تاریخچه کارگران است که ذهن آن را قلم زده که زندگیش را وقف آنان کرده است.

سیاهنامه سرهایه‌داری در زنده خو

چیزی که در این خاطرات، یعنی این هستی خارق‌العاده سفرهای دور و دراز می‌باران، چشمگیر است همانا می‌بارزه خشن و بی‌امان طبقاتی است. هر صفحه این کتاب نمایانگر حقیقتی کشی کارگری‌مان خوبی و فقر کارگرانی است که چنان ترورهای انسان‌گشی را به وجود آورده‌اند. چیزی که بیری جونز در اختیار ما می‌گذارد تحلیل‌های را وقف آنان کرده است.

کمیسیونی را مأمور می کند تا تلاشی لینتسی را، که به حمایت از معدنچیان پرخاسته ود، تحت نظر بگیرد.
کارگرها بایان علایمه بر قهر مسلح‌اند، سایر اینرا فقدت را نیز به کار می گرفتند تا اتفاقاً خارج عومنی^۱ را - در کشوری که خود را پرچمدار مکور کاری می شنادند - با خود نهاده کنند. اینها ملیت‌بیانی مردمی و سیاسی مخصوص پس‌خورد داشتند، مثل کلیسا، دادارس و طبقات. بروی چونز درباره اوج اعصاب ایطیانی کارگری دیده ۱۸۸۰ به مرده
پیش می نویسد: «شیکاگو تریبون»، که ارگان کارگرها بود، با درینکه نسام رسیده عذرداران ایلینوی پیشنهاد می کرد که با خاله معموش هاشمی که از مرکز بزرگ
نهضت پیامدات سازیز می شوند، مثل حیوانات موذن رفاقت کنند و دو خداشان، سمه
کشند. ۱- نظریه

صدالنیت، در اوج قتل عام لادرل بود که راکفلر تمام توان خانه مطبوعاتیش را بسیج کرد که از طرق ارسال جزوایت و مقالات پدتمام روزنامهای سراسر آمریکا را مقاطعه کردند که بعدی چنان مورد ملاحت شدید شرکتند. و میری یعنوی با ریشنند پرورانهای خود شفاهه می کرد که راکفلر معمقین می خواست پموده بهمهاند؛ فنی دانید که بعدی چنان قدر از گاردن ها ساعت کار روزانه بدهان می آید و مرتب انسان می کنند که مکارهای آنها را توپی نمایند و باده ساعت کار گذرنمایند.

بدینگونه «شرح حال» ملودی‌بجزی معجون سیاهانه هراس‌انگیز حق کشی‌های
اذراک‌رها و اقدامات خوبی‌ها و پرشمردانه این سرمایه‌داری در زندگی خود طبله‌هی کشید یعنی
سرمایه‌داری‌تی که بی و قفقه با هزارون‌های حراس نظری چنگ گشوده‌است. جیزس هیل‌ها
اکتفی‌های، کارتعی‌های، مورگان‌ها... بهسیاول خود آدامه می‌دهد. آیا کتاب حاضر
خاطر واقعیت‌های اکارتانایلیکی که بر آن آمد، شاهد مهمی به صاحب نعمی است؟
در زمانی که بعضی از تاریخ‌نویسان، مثل تاریخ‌نویسان تاجر سلسله داشتگاه
باروواره، سی دارند پاما پولیلاند که تمام این بجهادگران و تمام این پیشگذاران
رواستان را برای زنده کنند، کشور و سازندگان من عناصر آنند و اینها را این طور بهدا
صرفی من نکند، من: با همراهان تبریز، پیکرگشتن و دمکتریز افزار، در سرمهی
لیستی و انتقام، دد بلکه کلام سرمیغ هر جوان قیری که بخواهد بمقامی و للاف
الوقت بررسد، یا برای خود یک امیراتوری علم کند.

این پاروسی های چیلواکن در زمان حیات خود، به کارشناسان آنها بین شان
تفصیل های گزینه های معمولی یا دست و دلایل از فراوان در مطبوعات در مؤسسه های
دانشگاهی و هنری، مثل ریگ یا بول خرج من کشید تا صوری نوواری کی از این ها بعثت
دهد. و بعضی از این ها باشد که گذشت و راکفلر تا آن جا پیش رفته اند که در مقام
نهاده های اخلاقی، نظریه ایان در زمینه «انجیلی فروخته ایان داده اند تا بدینگونه نسام
دنند کاری های انسان چنایات خود را همچوین توجه قانون طبیعی و الهی» توجیه کنند
را کشف، موصی که یک پاییش لب گود بود، این عبارت را در یکی از مدارس مذهبی روز
کشتنی خود گفته بود، این نادرس مورد عتابت خاص او بود.

پرسنل

رو این مقاله‌شته بزمیها و هفت‌ها و کامن وقتها هم ماهه طول می‌کشد و حتی در مواردی، خصوصاً وقتی که دامنه اختصارات چنان پلا-پگریک است بسیاران دیگر هم مراجعت کرده کار سعدی‌های مختلف را کلیلاً طبع کنده شرکت را به تسلیم خواهند داد. کتاب میرزا جونی، تاریخ بزرگ کارگران است، در این کتاب می‌بینیم که هزاره طبقاتی پنجم و ششم دایمی‌بری پیش می‌رود، می‌بینیم که سرمایه‌داری - پس از پیشوایی‌های واهرانه - مقررات خود را به صورت نظام و قاعده در من آورده و حتی تا آنچه پیش می‌رود که در کارخانجاهی‌سازی، مانند همانی پدال و قدر و قدری کوچک‌ترانه غرسال می‌سازند می‌بینیم که کارگران علی‌رغم خود را که مغفره و مازی ندانند، خواسته‌اند چهار کوتاه از پیش می‌گردند، موافق این فرضیه شرکت نهاد راست کنک، خواسته‌اند خود را به کارخانه‌ایان بفروختند و همان تواند طراوی خود را وجود آورده که در سایه آن بتوانند از کارخانه‌ایان فواید و فواید، همچنان را باز کشیده باشند.

از روشنی‌ترین و بزرگ‌ترین ریزوهای ایرانی می‌باشد. این کتاب بزرگ‌حجمها و طیاره‌های پاره‌های آن سندیکات‌ها را لایه‌لایه تعریف می‌کند. همچنانچه، با دوگوش بلندیاری قصاستایقیز، بروز و خدیج پیش از هرگز بردن راه راهان سندیکات و تدقیق پر ناز و نعنی را که برای خودهای دست دیر یا کرده بودند اتفاقی می‌گفت. مغل افاقت‌های در هفته‌های تفریج یا تکه، خودین غذایی خوبه مسافت پادشاهی، لباس‌های خوش و جواهرات زدن های شاهن. همچنانچه بهادر شاه، تندیگی شخصی را به عنوان چانه مجهل توزیه و تحلیل می‌کند. این مرد پس از آن که سالانه را کنار کارگران سخت مبارزه نمی‌کند، سرعت از طرق همراهی خداهای جهت و جیل و هندون‌انگلی که کارگران سیاست‌پذیر می‌گردند، همان ایجاد اینهاست و آنکارا بی‌سایست سارق طبقاتی عمل می‌کند، همان‌عنین که وقتی احساسی بزرگ‌ترین می‌گردید معاشران ذغال منگ شروع می‌شود که از شرق تا غرب ایران یک گسترش بهدا می‌گردید. می‌بینیم حکمت مقاعدهای موافق و باصره‌گرد تحدی از کارگران بازار گرفتند کار، احساس را منشکند. همچنانچه، بی‌میغ ترسی خط بطلان پذیرجود این را نظر طبقاتی کشید.

مکالمہ میں اپنے مشاہدے

نهاده «جهنم و جهنم» است، خواسته می‌گیرد که این دنیا را برای خود بسیار سخت و ناراضی کند. این دنیا را با خود رفته باشند و خود را بگزیدند. این دنیا را با خود رفته باشند و خود را بگزیدند. این دنیا را با خود رفته باشند و خود را بگزیدند. این دنیا را با خود رفته باشند و خود را بگزیدند.

برگشتن تا همان ریاضی درست به امکان من نتشنید.

دو این کتاب پیش نمایان، با کمترین شناخت بروز خشم و یا پدیده
ساده‌ترین تفاوت‌های کارگران، ایاز مستکاه سرکوب را، که با دقت آماده کرده‌اند
به کار می‌اندازند، به این شکل هما اخراج از کار بررسی اندختن کارگران
نمایند. این ایجاد نمایان، که در اینجا مذکور شد، آنچه نهادنست: بعد از

وتفنی که تام این شیوه‌کاری سرکوب، علی رغم فخر شرق‌گی و حلقه‌های پولاندیان شان، ذوزراشان نرسد که خشم طبیه کارگر را مهار کند. لذا دست کمال بهسوی تیره‌های دولتی، پلیس یا ارتض دراز است. همچویز با قلم تصویرگر و افشاگران چنین می‌نویسد: آنان که مد کلور اوپ فران می‌راند مکونت چهره‌ی بود بلکه قدرت واعظی تو دست شرکت سوخت و آهن کلور اوپ و شرکت پیکتوکر و شبوات آن بود پرماناد ایالت هم عامل آنها به شماره‌ی مرافت، پلیس، تucht فرمادنی‌ها بپل، شصت پهلوان آنها بود. هر وقت که هرقلان دولت مرکزی به حکومت معلمی مستورد می‌دادند که پارس یکندست حکومت معنی هم گزینی نداشت، هر وقت که بپارس گردید، هر وقت که حکومت معلمی مستورد گاز گرفتند، هر وقت که بپارس گردید.

و ازش نا باي گفتشن، گاز مي گرفته بدين گونه در ۱۹ آوريل ۱۹۹۳ در لاهجه مسلسل هاي اريش چادرخان را آيكتش کرد كه مهدنيان و خواوه های شيان در آنها زندگي مي گرفتند. كوه هاي نفت آسود را منته و روئي اين سر پناه هاي بعذف و فکشن مي آمدند. از ميان احسان، جسد چهره ايله زاده باز است. گوكد هر دليل را بر يروان تشكيد. اين با اتفاک هار عصوي و بجهوش آمد. و فتح يك شرکت با ايمان هم خدا دند که در جهريان با گرمه راهنماني با شعاعت درخواست گردند. شرکت پايد چون اين ايلات گلور جوان و رعایت نکند، هر چونچون بعدن بال هر فرج اين قاضي با قلم زير و سوزن زده اميد. امنشيچ چنین مي نويسند: زهين طور هم شد. شرکت ميدايلات اريز و فسورد

استئجار تأمين

بری جوزف، سپاهی، سنتگلری هایی نظیر این باقلازه خود را - با چند خط، اما
سپاه درستا با تخلی داشت عراقب شنگی کارگرانی که با آنها سروکار داشته اند
خواهی درست رسمی می کرد. مر جا که بود در اینجا بود در پیشوازیانه، در گلزارانی، در
بیرون چوبیانه غربی و در پیشی، محدود با فقری رو بوده می شد که ایناد آن از دارای
تصویر درست نمی کرد؛ تو مخفیان، سپاهی سمری تسب زود بیداد من گردید قدر، ذات بدینکله
جهش بدوا مرگ می شنستند بیرون به عنات تقریباً تراستند هیچ شکاری و از هم
بالا ای سر خود و خان اعشاره باواره، در همین ده استه است که بروی جوزف با برداشت
آن را درست می کرد.

هری چون، در سفرهای مبارزاتی خود، که سراسر کشور را از پاشنه نم کرده،
لما از روکاری، با خشم و سمعت طلاقشی، باغشاگری وضع کار و زندگی معدنجان

من بود اختند که محل و روزگان از غریب شدنگان هم بدل برند.
آیا من نوان بردگانی را پنتر از این معدنهایان و پیرهایانی با کلورادوی بهترم

آروده بهم چیز مال شرکت است: میدان و خانه‌ها و مسازی تولید همان‌ها و مغازه‌ها، یادداشت، حتی غلاب کوچکها و بیش کلبه هایی همچوی که کارگران و خواندهای شان در آنها روی هم تلبیر می‌خواهند. هر کار سخت را هایا بشکل

مرگباری، بر جهود مددجویان مغلوب شدند. سندھرمان هنر خود را در این زمانه کارگران را بازیافت. - که خود کارگران ایلان معزک این همراهی را نداشت - چنان وضیع پیدا گردید که از این میانهای بسیار کارگران را به ساده‌النیت می‌گرداند. زنها و بیسماعیلیان کارگران هم براز این که از گرسنگی، بهمنی دلیق ایلان کلیمان نمی‌بینند باید کار یافتنند. چه اتفاقی ایلان از ترسیم این کلکن زن‌های کارگران

معدان و هزار تن کیوبیک است.
پیمانه سلیمانی کیورکوز و سل ریه، نویسنده روزنامه موجوداتی است که در این آثار فنا
روزیون معلم شد. این آثار ادبیاتی تورسی خود را می‌گذراند که هرگز کتاب، با بررسی، امس آنها را
گذاشته باشد.
کارگران همچنان معدن پیرواردن و زبانهای گردان گوین حررقیزی داشتند
بینش شاد از شمار اخراج و اقسام احتفاظ شعبه‌ی پلیسی و اصحابی خدم شده است.
با اینهمه از چنان بیهوده قهرمانانش پیرمرد از زدن که با اعتماد به مای خود پیدا کرد
«آخوند» می‌گویند. بر این مرافق این بیزرا انتظار زدن را می‌گذشت اخراج «ستمه‌یه» پیر
انداختن از آن اتفاقی شرکتی نموده باسالات ییگان و زندان، چادرنشیزی

عصری و ترین مردمان را آن جا نمی‌ذند که می‌کنند سو می‌کشند. برای دست زدن به این پرسی بپرسید: با استفاده کارخانه‌های تنسیجی در می‌آید و ماهنه‌های طولانی در آنجا کارگری می‌کند تا پوانو و فشم کار کودکان را از زیردیک بینند. مری چونز، تنها بیک پرسنگر قلم بعدست نیست. آنچه می‌بینید به خشم او تبریز و تاره می‌دهد. هیچگاه صفات توشه‌اش را، مثل آن جا که این خیل کودکان رنگ برپرده و چیز خوب را، که قربانیان مقدار حواست ناشی از کار، شخص عضو، و مرگند - درست می‌کنند، لَهْ نهادم نم اندیاد.

این نهاد حسابت کمی است که قبل از این که در میانگاه از قدر سخن پیگوئید در قرق زیسته است؛ حسابت زیستی است که با تکاه کردن بهقیزهای بکوچکترین جزئیات آنها آشنایی دارد و تمام گوشه کنار پیغامدهای «کارگاه» نام دارد.

هدف از این مطالعات علمی در زیسته کار کودکان فقط این بود که گزارشی نهیه کند که در اختیار مقامات ستدگریکا بگذارد. نه مری جوزفیم کوشید که در حد

توانیش، پدرنگ را همانجا م睿عنی ارائه دهد. مثلاً ساده‌بیوی و کارگردانی می‌کند که بتواند خواندنی را از بیوگ کارکرفا مهیا نمود: شیانه قطاری را به توقف و اینمایه دارد تا زنی را یا کودکانش - که معمکن بپرداخت قرض پایان نهایتی بری بود - سوار کند تا بتواند به محایی درگیری بربروند و وزنگی جدیدی را فارغ از وزنه مانعی که بزمجهیر شان بسته باشد. آنچه نیست

در طی تمام سال هایی که مری جوزی در کنار معدنجیان به سر برید، نلاش کرده است که مشکلات قلقلان یا بهمن خانواده را حل نکند: خانواده‌تی را مذاوا نمی‌کرد، برازی شان لباس نمی‌دوخت، غذا نمی‌پخت، در فقر اینها شریک نمی‌شد و مثل آنها با خانه‌شک و تقوه نظایه می‌کرد و در آلتولهای شان زندگی می‌کرد - آلتولهای زنهریز گونه‌شی که وقتی صبح از خواب بیدار نمی‌شد، روزی لحافش یک وقفه بیچشم

او واحداً همانچو بود است. مادر به تمام معنا، مری جونز زنی بود که با واقعیت در دشواری‌های روزانه آشنا شد و با نقش مبارزاتیش، در تمام شیرابط، باری از گوش رفقاء مرد خود برمی‌داشت.

مسلمان تصادفی نیستند اما بدهنگام شواینهای کاوهی در می‌ایند.

ستدیکاری که در سال ۱۸۹۶ توسط کاتولیک‌ایرانی اینزادی بروجور آمد. این ستدیکار در سال ۱۸۹۶ (سال پرجهود آمن) ماریلین کمپرس (Marilyn Compres) سانترل کمپرسور (Central Compressor) نام داشت. ستدیکار مهم امریکا را تشکیل داد، یعنی C.I.O. (CIO)، سندیکاری از افراد آمریکا که برای قبض از AFL-CIO و AFL و AFL-CIO+ خدمت کردند.

پیشگفتار / ۱۳

قابلة گردن از تهدیدهای دینی و بهضورت رشد انکار فردی و جمعی بی برد، دریافت که بدون توجه ماهیت چنین ضرورت هایی، هیچ تصور واقعی و هیچ امکان دسترسی به آنکه مقدور نخواهد بود، آنچه در نهایت بدست خواهد آمد چیزی جزو اوج گیری خشم خواهد بود که ایام خدر رفته تسلیم پسرنوشت را بدنبالی می آورد.

مری چویز در حدود ۴۰ سال داشت که با همین مبارزه گذاشت و تا بیش از ۹۱ سالگی آن را ادامه داد بین نگاه می توانست از موقعیت «ضدپنهان» بودن و متن بودن خود با مهارت و ذیرستی سپار و پنهان متنی پنهان برداری کند. موقع می شد بهمین حاره پیدا کند، بدون این که توجه کسی بهجان این پیرزن ترویج و خوشحالی شود. در این امر، از دستاوردهای چوراچور بهره می گرفت. یکروز توانست از خطوط ارش، که اعتصابگران را از باقی کشور جدا می کرد پنگاههای این پهانه که در «جلسه مبلغین مذهبی» معرفه و با خوش زبانی خاص خودش افزود که می رود «برای پسرانهای سیاه بوسست افریقانی دستکش بشی میانه. یکبار دیگر خود را بهصورت فروشنده دره گرد در آورده تا این چنگ مراثیت های «بیلیشا» فرار کند. همیشه از ضعف ظاهری جسمی خود، بدغوغان پیرزن، استفاده می کرد. البته این حرمه را بعندهای بخوبی که بعد از هفت هم ستدیگان، در خواهد آمد. اعضا سواریان کار در ایندا که بوده ۴۰۰

آن موقع با شنیدن سخن اعصابی که از طریق سواران کار برآمی مفهود است، تصور میگردد که سندیکایی محل سندیکایی که از اروپا میشناخته، سردکار داشت، که سمعت در انتها بودند و آنها را پنهان نمیکردند.

André Rossel - 1er mai (90 ANS DE LUTTES POPULAIRES DANS LE MONDE) - Editions De La Courtille, Paris 1977

حوادت استثنائی، که از سرتوشت متدالوں مادران یا همسران بیرون بود، پمچلو رانده شد. پرای صریچونی این «حادثه استثنائی» از دست دادن ناگهانی تمام خانواده‌اش بود، او که هر چند بخوب غم انگیزی از علایق مرسم آزاد شده بود تمام وجودش را وفقت مبارزه کرد و از هر گونه زندگی شخصی چشم پوشید. او با تصرور من گفت: «خانه من چنانست که مبارزه را بیدعالتی در آن جا جهان داشته باشند. این پاسخی بود که در هشتادسالگی به گیرکنگ، امریکا داده است، و پیش از هشتاد سال از عرضش می‌گذشت که قلم بعدست گرفت نای پیچ و خرمای خوشین و قهرمانانه تبرد طبقه کارگر را از این دهد. اینهم نوع دیگری بود از اینباره زندگی در راه کارگران.

مسئلہ عمر دراز و خستگی تا پیدھیری مری جوں، او را کسی ازا مور می کند، و از اور نوع موجود انسانیتی می سازد، ولی نکتہ سیار مہم اینست کہ او وقتی کہ در مدار میانریانی قرار می گیرد تا پایان آن پیش می رود، مری جوں کمال طلبیش را در نزد و پیک سالگی، چینیں وصف می کند: *انسی خواهون علاقلیتی داشته باشیں، می خواهم در سنگر نبیرہ بمانی، خواه این سنگر در امریکا پاشد و خواه در مکریلہ، خواه در افریقا و خواه در روسیہ، فرقی نہیں کند۔*

بری جویت از همان اوان کودکی، از بد حادته محبوب شد که در غرست و
بزرگی زندگی زنانه اش در بیک جامعه بود سالاری سبب شده است که او نه از
بیک تعریف و تحمل روش نگرانه و نه از پیشنهادهای کتابی، بلکه از زیستهای دیده هایش
آغاز کند.

به چشت پیچوی کار و به قیمت تعیید شدند، زندگی کنک، پنج ساله بود که می برد و پیش پدرش، بهار ایکار، خانوی از «صوح سیز» مهاجراتی بود که مهاواری آفیاپوس اطلس سرازیر می شد. بین سال های ۱۸۷۰ تا ۱۸۹۰، هر ساله بیست هزار بیکار و گرسنه کشورهای خود را رها می کردند، آنکه مهاجرت بیوسته سریع تر می شود. شلا، بین سال های ۱۸۷۰ تا ۱۹۰۰، فقط چهار میلیون و نیم ایرلندی برای آن که زندگی می باندند، یا برای زندگی بهتر، سریزین خود را ترک کردند راهی ایالات متحده می شونند. هری کچولو، هم یکی از این آقیانوس پیمایان بود. هری چونز در این پاره چیزی نمی گوید زیرا که از خودن حرفی نمی زند، ولی چند وقت سفر در راهی، در عرض بسیاری و مرگ بودن، در کشش پایهای و زواره دو و نه تنباک شدن (به کشش هائی که مرتبه این لیوری بول و سواحل امریکا در سفر بودند نام «کشش های تابوت» داده بودند)، او را گاگهان با بدترین نوع فقر و خواری آشنا کرد. و سبب شد که بیان لحظه‌های تردید و منحصر برگشت تابدیلی، در حق استئصال شوندان گان فرار بگیرد. تا جایی که سالهای بعد از معلم شدن خودداری می کند چون اینی خواهد نظر آقا بالآخر بیچاره را بازی کنند.

هیین طور و دقیق که بدها در شبکاگو اندازگار من شود و در خانه تو متینها خیاطی می کند، توجهش به بعد ایامی های اجتماعی جلب می شود و از پیشرزای این خانه های سبلان، فرست و آدم غلکچار کارگران شهر را پیش می بینند. اینهمه فقط بیان کردن جسم و دین دلخواه در اتفاقاتی می گذرد. اتفاقاً نمی کند دست پردررسی می زند. حرمه خیاطی و ایالت خود را ترک می کند، پیغمبر جانی که استئصال بیداد می کند.

۱۲ / مادر جونز

مری جوز در اینجا ایندیلوژی شی را می‌پاید که تمامی شناخت و تمامی پیش‌بینیان را در خود همراه کرده است، ایندیلوژی شی که او قبلاً در پیرایی خود به آن رسیده بود. در واقع، «شورالهای‌کار»، یک ساخت ساده سندیکاتی با خصوصیت تعاویتی و با خواسته‌های اقتصادی نیست، سازمانی است بیش‌اگز که در مرحله‌ی از مبارزه و بمقتضای آن به وجود آمده است. هدف این «شورالهای‌کار» به بودا جمع کردن کارگران تمام حرکتها و بدون توجه به ملیت، جنس، اعتقادات دینی و رنگ پوست‌شان، و نه تنها برای دفاع از دستمزد آنها بلکه به خاطر «بهبود وضع زندگی شان در کلیه زمینه‌های مادی، اجتماعی و معنوی، و این چیزی بود که در دیباچه اساسنامه آنها ثبت شده بود.

این دید و سیپی و انترناسیونالیستی با روحیه مری جوزس - که پدر و مادرش از مهاجران ایرانی بودند، شوهرش کارگر بود و خودش یک زن مبارز - خوب بجور در می‌آمد. او در تماس با خانواده‌های کارگران به ضرورت تعلیم و تربیت، به ضرورت کاولیکاهای ایرانی را در چاهمنی که اکبر شاه پروتستان و به مکون کرد و بین طرق موجب آرام نگذاشت، هدایه منصب کاولیک می‌شوند و قسمت بزرگی از اعضای «سواران کار» را تشغیق

* American Federation of Labor (A.F.L.)

** Congress of Industrial Organization (C.I.O) مائنل، اسکلارڈ یا اوپرالس - پاریس - ۱۹۶۷ء

[View this article online](http://www.ncbi.nlm.nih.gov/entrez/query.fcgi?cmd=Search&db=pubmed&term=(%22Hypertension%22%20OR%20%22Hypertensive%22)%20AND%20((%22Cerebral%20hemorrhage%22%20OR%20%22Cerebral%20hemorrhages%22)%20AND%20(%22Stroke%22%20OR%20%22Strokes%22)))

چهارمین بندگو شد که در سال ۱۸۸۷، نه تنها جنگل سوسیالیستی هم و مالک عموی هم برای داد و ستد مبتده، (در یک کاتانای) وجود نداشت. و سوچی سوسیالیستی هم در آنجا پهلوپوش نصی خورد. روزگر کنون و روزگر آیند که در ایالات تحدید اثر گذاشت (ادار عالم ۱۸۸۷) تیزی آثار آن پوشش می خورد، هنگز انفصال بوده از بایان این جنگ که برپهاداری را از این بنی بهره، گفت از بیست سال میگذرد. لقر مسلم که پیش از این اختصاصات خوبین کارگری گردید و موقتاً پنهانی مبارزات را با خود داشت، اما جنگل سوسیالیستی هم برای داد و ستد میگردید را باعث و پایی این اختصاصات و حرکات بود. و این مستله در میان زبان این از نظر انتگلیک بوده تواند: آن طریق که در اوروا از آن صفتی مشهود - در ایالات تحدید وجود ندارد و از این نظر هنگز طبقاتی بین کارگران و سرمایه داران - آنسان که جوامع اوریایی را از هم میدارد - در این گذوں امکان پذیر نیست و میتواند بر این نظر بودند که در جمهوری امپراطوری روسیه - که پدیده است واردی از خارج - قادر به رسانید

این نظرگار، شاهزادی از واهمهای داشت: در واقع، نه تنها بینش سوسیالیستی کم قدرت را که نموده بود (در اروپا ممکن است این وضع دیده شود)، بلکه به طور کلی از گروههای کوچک همایشی نهاده اداری تشكیل شده بود که برای پذیرفتهای مختلف سوسیالیستی داشتند. این اوضاع از اروپا و آفریقا بسیار شبیه بودند. این اوضاع از ایجاد این انتخابات ایجاد شدند که حضور ایرانیان ایجاد شدند. آمریکاییان داشتند، سواروان (شورای ایمانی) کان، بود که در سال ۱۹۴۹ میلادی آغاز شد و توانست آمریکاییان را خواهان حقوقی، بکر و خواه غیر آن را در اتحادیه اسلامی محبوبیت یافته باشد. نه تنها «بایتکاران، دکلا و قضات، مشربخواران» حق عضویت در آن ایشانند.

پیشگفتار ۱۵/ پیشگفتار هدف، فقط در مقابل مأموران و مقامات دولتی به کار می‌گرفت و گرته، در هست شوار کارگران پنهو پاپرچان شریک بود، مائد آن هاشمیانه بود، روز چادر بورز می‌رساند؛ در راهپیمانی‌های طولانی در جاده‌های پر استادانه خشونت‌ها دیندان قد علم می‌گرد. خصوصیاتی می‌گرد؛ و با روحیه جوانان، در مقابل خشونت‌ها دیندان قد علم می‌گرد. از طرف دیگر، وضعیت زند پوندهش اور را منعی، در جنبش کارگری، در حاشیه قرار می‌داد، و همین امر سبب می‌شده که او در صحنه عمل، پیداگلیده بکل های تازه‌تر، پاشد که با موقعیت خاصی او یعنی ضعف دن بودن او سازگار باشد مری جونز فقط بایان اکتفا نمی‌گرد که از مبارزات کارگران اختصاصی صایت کند، بلکه برای پیدا کردن تبروهاتی زنده به جماعتی دیگری می‌رفت که تا آن وقت به تکریک کسی نرسیده بود مثلاً از زنانی معدنجیان گروهای رژیمنتس تشکیل می‌داده از شخصیت مجهز پیشنهادهای، جاروی، سطل، چوپانی و شلاقی، درست می‌گرد، و اکثر این زن‌ها، بهینی را هم توی پتو پیچیده، بغل کرده ساعتی‌ها متمادی در محل اختصاصی ماندن و با فریادها و صدما در آوردن پیک و تابه مردم را پدرخود خود صمع می‌کردند؛ تمازیدگان غلامی کارگران و زند پوندها را پهلوان و ایوان داشتند؛ نرگز بگیر کارگران ایوان را این شیره پسته اوردن خوب منتظر، تارهار می‌گردند، مری جونز بکل ذن، به تمام ظرفت خشی که در قلب این همسران معدنجیان ایوانشته شده بود آشنازی داشت، چه ایوان با شوهر و پیغمبای خود در آولانهای معمور زندگی می‌گردند و استمار و ستم را با مومن ترین جزئیات آن لبس می‌گردند.

ملوچونز که در کنار کارگران می‌شن تا هشت ساله دختر دیپ زیسته بود، خوب می‌دانست که پشت آن ظاهر شکنندۀ کودکانه آها، خشم و قاطیت طبقای شان ایشانشته شده است، مری جونز این کارگران خردسال را سیچ می‌کند تا برای المکار عمومی را کشود راهی‌هایی بزرگی بهاده امن ازدازد با برگزاری می‌شوند، در سراسر اکتفا کن مجسم و زندۀ سرمایه‌داری دروغه خویند و در کارگرانها می‌شوند، با استفاده از شیوه‌های جانب دیگر، وجودن‌های خوب را آزاد می‌دهند، مثلاً در داشتگان پریستون، در جایی که کارگر ده مالی را پهضمار نشان می‌بعد که «پشتی، از بین ۳۷/۵ کیلوونی نفع، مثل پشت پیرمردها قور شده بود»، این عبارت برگزینش از پیشتر را به صورت رونشکاری که برای شنیدن سخنان او جمع شده بودند می‌کوبد؛ و این است يك جزء مجسم اقتصاد سیاسی که در حضف اجتماعی زن بودند، بیش از مبارزان دیگر، موقعیت شاق کارگران مهاجر - ایرانی، آسیانی، مکزیکی وغیره - را درک می‌کند و با همین‌ها است که قسمت اعظم زندگی را می‌گذراند و با نام قدرت، در تازه‌ترین و گاهی فهرمانات‌های اشکانی عصیانی آنان شرکت می‌جوین، میعنی شورانگیز و استراتیجی مبتکاب او را با این کارگران ماجر بینوند می‌دهد. مری جونز، آخرین سال‌های زندگی را در کنار همین معدنجیان - که خلیل‌ها آن‌ها را «خانجی» می‌نامیدند - سپری کرد و خواستش این بود که پس از مرگ تیز در کنار آن‌ها بیاراد - و همین کارگران مهاجر، که

۱۶ / مادر جوان

به معدنجیان دوچال مبارزه، سراسر امریکا را، از کالیفرنیا گرفته تا ویرجینیا غربی، از پاشنه در می‌کند، مواردی پیش آمده که این بیرون، تمام طول شب را پیاده راه رفته است تا سپیله دم فردا، مراه ارتشش - مشکل از زن‌ها - دقیقاً همان جانی حاضر پاشد که کسی انتظارش را ندارد. این آذانگی ملاآم او برای خدمت، با استواری بزرگ و شهامتی مسلم، تمام بود که مری جونز از قد علم کردن در مقابل قدرتمندان، فضات، ستاره‌ها، فرماداران و از خود کویند می‌تفقیت - بی‌هیچ تعارضی - بر ترق آن‌ها واهمه‌یی نداشت، متن در يك محکمه، رئیس دادگاه را «موجود کیفیت» خواند، در جریان یکی از سخترانی‌هایش، ناگهان باک ستوان پلیس ظاهر می‌شود و ورقه بازداشت او را بعدست گرفته در هو تکان می‌هدد، اما مری جونز، با ای اعتمانی تمام، پهختارانی خود ادامه می‌دهد. اور مر خضرنالکرین چاهار، که کارگران خود را در آن جا با گلوب جواب می‌دادند، تردیدی پنهو راه نداده حاضر می‌شد. مری جونز با شاق‌ترین شرایط زندان‌ها مقابله می‌کرد، و در سلول‌های انفرادی مجبور بود که با شیشه آبجو، بچان می‌وشد های یقیند، آن هم در هشتاد سالگی نظمیان آناده بودند به طرف معدنجیان آتش کشند، اما مری جونز پیش می‌زد و دست خود را در هفته‌های توب می‌گیرد.

یکی از خصایص مری جونز مانند هن مبارزان واقعی، این بود که می‌تواست برای خروج از بسته، بالا‌فصله نیروی فکر و ابتكار خود را به کار اندادار، یک شب که گاردنهای مسلیم کارگران را محاصه کرده بودند او اعلام می‌کند که اسلام ستوانی مرکب از یانصد معدنجی تحت اختبار او از راه خواهند رسید؛ گاردهای مسلح کارگران بهوشت می‌افتد و دست از معاصره برسی دارند.

مری جونز همیشه برای خلاصی از مخصوصیتی که به اطاعه می‌بست به نظر می‌رسید، خوبی‌هایی بیدا می‌کرد، و غالباً این خوبی‌ها همان قدر که مؤثر بود با منه هم بود. مثلاً برای پخش کردن خبر يك گردنهای، که متوجه می‌شوند، این موضع اعلام شده بود، از یکه تاشوای صلحتی و میاسنی استفاده می‌کند. پری جونز «ناکنیسین» روح‌سنجی هم بود، یعنی صاحب تاکتیک بیو، باه کار گرفتن وسائل جدید آکسیون (هذاخ طوری که در مورد راهی‌هایی زنان و کودکان خواهیم دید) متعاقب از علم خشونت و درگیری، استفاده می‌کرد. دوی اصول زرگ دموکراسی امریکا انگشت می‌گذشت تا تضادهای این نظام را بینشان بگذارد. خلاصه، برای رسیدن به هدف‌های مبارزان خود از کمترین ضعف و قیم هم بهره‌برداری می‌کرد. از طرف دیگر، آنچه در کتاب مری جونز خوانده و تحت تأثیر قرار می‌خد - که این یکی از جاذیت‌های بزرگ سیاسی است - آن است که او همراه با واقعیت، قرب جوار طبقاتی دارد، چه بخواهد از تپ زد حرف، یزد چه از آتش‌سوزی شیکاگو، یا از شکل و تقاضه مخاطب خود، در همه حال، توصیف یا تشریح داستان خود را در مبنی پاخته‌است. سیاسی عصر خود می‌شاند. مثلاً زمانی که از شیوه جرایم درین جوانان سخن می‌گرد، لایقطع «فلاش»هایی هولناک یا رفت‌انگشت را بر مغز فرو-

پیشگفتار ۱۵/

پس از سرخبوست‌ها و سیاپیست‌ها، محروم‌ترین افراد سرتیمن امریکا پشمایر می‌رفتند و قوی که در دسامبر ۱۹۳۰ می‌جوتز را پشاک سپرند، بدافتخار او سرودی ساختند سرشار از حق شناسی بزرگ و اندوهی همیشی. چون یک دن رفتار کرد، است اما هیچ‌گاه چون زن گرایان (غیبیت‌ها) پهیاره نبرداخته است، و این شاید از نظر سیاسی، نظره خصف او بشمار رود مری جونز تنفس خود را می‌بینان و روشنگی آشکار ایرانی می‌کند، چه این‌باشد، چه این‌باشد، چه این‌باشد، چه این‌باشد، چه این‌باشد، چه این‌باشد کارگران - مرد و زن و پوچ - را پرست می‌کند توی کوچه دیگر یا مسلسل می‌پندند. چیکشان در نمی‌آید». در این پاره بید او درست است ذیراً که پرده از روی موضع بورزوی‌ای این پاوان «حق طبله»، کنار می‌زنند؛ اما چالی هم نست که مری جونز برای زن، زندگی در خانه را تجویز می‌کند که وظیفه اصلیش «تریت کودکان» است، پیدا است که این نظر از پشتونه افکار اکسایش از نسبت کارولیانی ایرلندی سرجشمه می‌گیرد گو آن که به تفایدگان مذهب، نظر خوش ندارد.

با این همه، می‌توان برای این نوع پرخورد او در شرابیت کار زنان - این حیوانات بارگش واقعی - در گارشانها و در پامال شدن شان ترضیعی یافته؛ چه این شرابیت آنان را از امکان کسب آگاهی واقعی باز می‌دارد، با اینهمه، چنین دیدی را پاید ضعیف در سهیان پیش مری جونز داشت. پیدا شد این ضعف از این جا ناشی می‌شود که او پهان‌اطار مشکلات درونکار و لزوم خودیت حل آنها، تاچار بود که گام به گام و پهلوی روزمره مبارزه کند، و در تیجه، فرضی نداشت که تا انتهای تکریتی پیش رود، این جهیه و فرمیتی می‌جوتز است، این جهیه شاید در آن مرحله از مبارزه‌یی که او در پطن آن قرار داشت، اجتناب‌ناپذیر بود.

چون «پیش»، و چون «وارلین»؟

اگر مری جونز در زندگی مبارزاتش چنین‌ها از خصایص زند پوندها را نشاند

میدهادیں امر مانع از آن نمی‌شود که به خاطر صفات ویژه‌یی که داره بعرقانی خود از جنس دیگر بیرونند، یعنی به کسانی که معتقدند زن و مرد پاید در کنار کارگران بینکار کنند.

از این صفات ویژه نخست باید این را پاید اور شد که او مشکلات شخصی خود را تا حد مسائل درجه دهم، کنار می‌گذارد، او در کتاب خود فقط در چند سطر، از عنوانه زندگی شخصی خود در مفہیس، بد می‌کند. تاریخی‌های جسمی، زندانی‌شدن‌هایش، فقط در پیچ و خم یک سطر ظاهر می‌شود، آن هم برای این که دشواری‌های کلی بسازه را پایاً درزی کند، مری جونز هر لحظه آمده راه افتادن است، لوازم ضروری را توی مستالی می‌پیچد، و پس از پایان می‌سینگ، توقیعی می‌برد که تا در جای دیگر، برای شرکت صاحبان صنایع بزرگ پرورش پیدا می‌کند و با چشم خودش بتریت زور و زد را بر قانون می‌پندند. تخلیلی است لازم و مستند، نه یک شمار احسانی در آن هست و نه یک کلمه زائد.

مادر جونز فرست آرایش ادبی را درآورد، از پلن برایتیک روزانه مبارزه طبقایست، اُب مطلب را با چند کلمه اراده می‌هد، از پیری‌های زور آهن، از کار افتادگی‌ها و از قاطیت کارگران خارجی و معدنجیان - که بارها با آن‌ها روبرو شده است - برای درک کردن و مشکل شدن، سدن، سدن، سدن می‌گوید. کدام قلم کویند، تر این سخن می‌تواند گویند که او در مبارزه کارگران ذوب آهن گاری گفته است: «فولاد، آن‌ها را در چندگاه خود می‌گیرد، فولاد بر دوش آن‌ها، به گونه چاریان، داغ می‌نماید».

از این گونه طرح‌های فوق العاده فشرده را در هر حضنه کتاب مری جونز من توان یافتم.

چنین ایجازی را، که از یک زندگی از رای زندگی، از رای زندگی و شرح حال خودش، می‌سیار پندرت در آثار کارگری، از آن‌هایی که بدمست ما رسیده - می‌توان یافتم، قبور ترویک، واقعیت را با همین فشردگی، با همین صرقوچی، در تصور و کلمات و قدر مسلسل، با همین تجزیه و تحلیل طبقاتی، شناخته می‌گیرد.

پیدین گونه مری جونز، از رای زندگی و شرح حال خودش، می‌جنوند، نهونه، چلوه گرف می‌شود، پیدین معنا که یازتابی است از سرنوشت میلیون‌ها نفر دیگر از هم طبقه‌های اجتماعی خود از اولی مری جونز با متراکم کردن این سرنوشت، بروجستگی خاص را استثنای پیدا می‌پندند.

مری جونز، از همان آغاز تولد، داخ‌جامعه‌یی عازی از برایری را به میانتان داشت، از سرزمین مادرپیش دل کند و به کشوری پیکاره که در این چا، نوعی «ارض موقوعه» کار و آزادی را بیاورد. ولی با همان غل و زیبهرهای استمنار بود و همان اختناق، و سرانجام هم آوارگری از شهربه پیش‌نیز دیگر، و با بیماری دمرگ دست پدگیریان شدن، اگر امکان می‌داشت که زندگی میلیون‌ها کارگر مهاجر این دوره را از نور ترسیم کند آیا مخصوصات مینیست تاریخ شده را در آن باز نمی‌یافهم؟ آیا تویستگانی چون چلک‌لند و ایشون سینکلر که از زندگان شاهد این واقعیت ایرلندی بوده‌اند در آثار خود، آدمهایی چون چورچیس لینوایانی را در کتاب «چنگل»، که شیاهت زیادی به مری جونز دارند، ترسیم نمی‌کنند؟

اما اوضاع وحوال زندگی مری جونز و دورانها خشونت‌آمیز او از سرنوشت

* بیان چنگل با در ترجمه فارسی بهجای رسیده است؛ یعنی بهترجمه میانتان (الشارات علم) و دیگری بهتر ترجمه ایوت ایز پاکرازه، (الشارات روزی‌بیان)، ن.

ستی زن بودن و مادر بودن، سبب شد که زندگیش از زندگی اکثر مهاجران تغیر دیگر پذیر شود.
در این هنگام، او «مادر جوتو» می شود - مبارزی خستگی ناپذیر و ذنی قهرمان.
کسی که تسامی خلقی از زحمتکشان با نگاهی سرشار از حق شناسی و محبت بهاد چشم دوخته است.

سپتامبر ۱۹۷۷

هل لوڑون

دیگر گاه روزانه ها ...

<http://rouzaneha.org/GahRouzaneh/DigarGahRouzaneh.htm>

فهرست موضوعی «گاه روزانه ها ...» : [ادبی](#) [تاریخی](#) [سیاسی](#) [دینی](#) [مارکسیستی](#)



از نگاه فریدون الیکی

[فریدون، دانشی که رفت ...](#)

[گالری عکس](#)

[نوشته ها و ترجمه های برآکنده](#)

[نوشته های سیاسی](#)

[اتر](#)



از نگاه دیگران ...

[ایران در نشریات فرانسوی زبان](#)

[رویدادهای ایران و جهان در امروز](#)

[نما](#)

[کتاب و نوشیه آوا](#)

[عکسهای شاعران و نویسنده‌گان و ...](#)



از نگاه دیگران

[منتشرشده های ۱۳۸۱](#) [منتشرشده های ۱۳۸۲](#) [منتشرشده های ۱۳۸۳](#) [منتشرشده های ۱۳۸۴](#) [منتشرشده های ۱۳۸۵](#) [جوازات و محدود](#)

[گالری عکس](#)